



آخر الامر گل کوزه گران خواهی شد
حاليا فکر سبو کن که پر از باده کنی
«لسان الغیب»

درباره بحران کتابخوانی مشکل از تقویم نیست



رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی گفته که سرانه مطالعه در ایران هفت دقیقه در هفته است؛ یعنی یک دقیقه در روز! خبری که معادل درستش می شود فاجعه! خوشایند نیست اما واقعی است. در اینجا کسی حوصله کتاب خواندن ندارد. مشکلی که هست اما دغدغه هیچکس نیست. آخرین باری که سر و کله یک فرد تربیون دار پیدا شد و در این باره پیشنهادی را مطرح کرد، همین چند هفته پیش بود.

یکی از مسئولان نهاد کتابخانه‌های عمومی گفته است که سالروز کتابخانه‌های عمومی به عنوان روز کتابخانه‌گردی انتخاب شود. یک سؤال! آیا مشکل مطالعه در ایران ریشه در تقویم و اسم گذاری روزهای سال دارد؟ آیا این سالروزها مسئله را حل و کار را یکسره می‌کنند؟

اجازه بدهید تا به سراغ چند نمونه خارجی از راهکارهای افزایش سرانه مطالعه در جهان برویم. دست بر قضا سراغ کشورهایی خواهیم رفت که ثروتمند نیستند و مردمانشان هم از شدت خوشی و شکم سیری به فکر افزایش سرانه مطالعه کشورشان نیافتاده‌اند.



کتاب‌های گردشگر

«من یک کتاب گردشگر هستم. آرزو دارم پس از خواندن، با دنیایی از عشق و مهرهایم کنید تا به دست خواننده دیگری برسم.» اشتباه نکنید! کتاب کودک نمی‌خوانید. فریب ادبیاتش را نخورید. این جملات بروزی کتاب‌هایی نوشته شده است که قراست تا در طرحی به نام «کتاب‌های گردشگر» در مکان‌های عمومی شهر کابل پخش شده و بین افغان‌ها دست به دست شود.

این طرح براساس یک آرزایم مصلحتی و خیرخواهانه بنیان گذاشته شده است: «جا گذاشتن کتاب پس از خواندن آن در مکان‌های عمومی». افراد کتاب‌ها را در مراکز تحصیلی و ایستگاه اتوبوس می‌گذارند تا دیگران آنها را بردارند و پس از خواندن دوباره در اماکن عمومی بگذارند تا به دست افراد جدیدتری برسد.

در این طرح، شهروندان می‌توانند کتاب‌هایی که در خانه دارند و خوانده‌اند را نیز به جمع کتاب‌های گردشگر اضافه کنند تا به دست خواننده بعدی برسد. نکته ماجرا در این است که ایده را یک سازمان مردم‌نهاد به پیش می‌برد و قرار نیست کسی منتظر دولت بماند.

کتابخوانی پیشرفته

در بسیاری از روستاهای آفریقای جنوبی، فقر دو به هیچ از زندگی جلو است و سایه اش بر سر مردم مستدام.

بقیه در صفحه ۵

گفت و گو با «عظیم فلاح» هنرمندی که نقاشی‌خط می‌کند

من انتخاب خوشنویسی بودم

باران رادمنش



رویدادها، تصمیم گرفتم خوشنویسی را جدی تر دنبال کنم. بنابراین آکادری هابم شروع شد. کتاب‌های تخصصی هنر خریدم، آرشیدی از آثار خوشنویسی جمع کردم و کلا دغدغه این هنر به جانم افتاد.

* چرا وارد رشته هنر در دانشگاه نشدید؟

— علاقه ای نداشتیم؛ چون در آموزش‌های دانشگاهی محدودیت‌هایی می‌دیدم. با آشنایی با هنرمندان دیگر، می‌دیدم که اغلب آنها از آموخته‌های دانشگاهی خود راضی نیستند و معتقد بودند که اگر خودشان هنر را آذانه دنبال می‌کردند، به موفقیت بیشتری می‌رسیدند.

* چطور شد از خوشنویسی رو به نقاشی‌خط آوردید؟

— خوشنویسی به تنهایی راضی ام نمی‌کرد. چون خط عمدتاً با کتابت مرتبط است و در حال حاضر کمتر کسی سفارش کتابت و خوشنویسی برای متن کتاب را می‌دهد.

از طرفی من دوست داشتم کارهایم جنبه دکوراتیو داشته باشد، زیبایی آثارم برجسته تر باشد تا بتوانم با آنها نمایشگاهی برگزار کنم. خط به تنهایی چنین قابلیتی که بتواند جذابیت و زیبایی بصری ایجاد کند را ندارد. در حالی که من دوست داشتم نوشته‌هایم را با رنگ ترکیب کنم. در تجربه‌های اولیه ام کاغذهای رنگ شده را مجله می‌کردم و روی آن می‌نوشتیم و با این کار اتفاقات زیبا و تازه ای رخ می‌داد.

* یعنی بدون اینکه از شیوه نقاشی‌خط آگاهی داشته باشید، به صورت خودجوش آن را دنبال کردید؟

— بله، کاملاً به صورت خودجوش بود و اتفاقاً خیلی هم از این کارهایم استقبال شد. نقاشی‌خط‌هایم را در جشنواره‌ها شرکت دادم، دیده شدند، رتبه آوردند و همین کارها برای من تعیین جهت کردند و دانستم که باید کدام سمت بروم و با چه کسانی نشست و برخاست کنم.

بقیه در صفحه ۴

به بهانه بررسی کتاب «آسمان خانه من است» اثر مریم ذوالفقاری

آسمان‌ها بی‌کلاغ نیستند

کانون ادبی بهمن در ادامه جلسات هفتگی شعرخوانی و نقد شعر و کتاب، به بررسی کتاب «آسمان خانه من است» اثر «مریم ذوالفقاری» پرداخت.

این جلسه روز چهارشنبه، با کارشناسی «اصغر علی کریمی» و اجرای «بهرام ابراهیمی» در تالار مبارک فرهنگسرای بهمن برگزار شد و استاد هرمز علیپور و دکتر سید وحید ضیایی در آن به بررسی و نقد این مجموعه پرداختند.

«الهه کاشانی» دبیر کانون ادبی بهمن، ضمن اعلام خبر فوق، تصریح کرد که این کتاب، سومین اثر مریم ذوالفقاری است که در ۸۰ صفحه و در قطع جیبی به تازگی توسط انتشارات آشیان به چاپ رسیده است.

در صفحه ۶ بخوانید

«عظیم فلاح»، متولد سال ۱۳۶۰ تهران است. خوشنویسی را از سال ۱۳۷۲ و فعالیت حرفه‌ای اش را از سال ۸۰ آغاز کرده است. او هنرمندی است که در زمینه خوشنویسی و بیشتر نقاشی‌خط فعالیت می‌کند و طی سالهای فعالیتش تاکنون در رویدادها و جشنواره‌های هنری بسیاری شرکت کرده و آثارش در نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی مختلفی در ایران و خارج از کشور به تماشا درآمده است که ضمن آن، جوایزی را نیز از آن خود کرده. با این هنرمند به گفت و گو نشستیم.

* حرفه اصلی شما خوشنویسی و نقاشی‌خط است؛ یعنی از این راه امرار معاش می‌کنید؟

— بله، من از زمانی که در این زمینه کارم را شروع کردم و حتی بعد از اینکه متأهل شدم هم از این طریق درآمد دارم و امرار معاش می‌کنم. کار تخصصی من خوشنویسی و نقاشی‌خط است و همواره از طریق فعالیت در دایره تدریس، برگزاری نمایشگاه و فروش آثارم کسب درآمد می‌کنم.

* صرفاً در همین زمینه خوشنویسی و نقاشی‌خط تدریس می‌کنید و در کجا؟

— بله، هم نقاشی‌خط و هم خط نستعلیق تدریس می‌کنم و محل تدریسم هم در کارگاه خودم است و هم اینکه در فرهنگسراها و مراکز خصوصی یا دولتی دیگر به آموزش می‌پردازم.

* تحصیلات آکادمیک و دانشگاهی دارید؟

— نخیر، من هنر را تجربی دنبال کرده‌ام.

* چطور به خوشنویسی علاقه مند شدید؟

— من خط خوبی نداشتم. پدرم چون خط تحریر خوبی داشت، روی خوش خطی من و خوب نوشتنم تأکید می‌کرد، اما اتفاق خاصی نمی‌افتاد تا این که سال ۷۲ تشویق‌های معلم هنرم در دوران راهنمایی باعث علاقه مندی ام به خوشنویسی شد. بعد از فراغت تحصیل از دوره راهنمایی و ورود به دبیرستان، به قصد دنبال کردن حرفه‌ای تر خوشنویسی، پیش استاد مجید رضویان که در خوشنویسی استادند و برادر جواد رضویان (بازیگر) هستند، می‌رفتم.

اما به طور کلی اعتقادم بر این است که این حرفه‌ها هستند که آدم‌ها را برای خود انتخاب می‌کنند و البته در این میان، بحث گرایش‌های ذاتی و درونی آدم‌ها هم مطرح است؛ چون واقعاً به زور نمی‌توان وارد یک شاخه هنری شد و این گرایش و علاقه مندی باید در ذات آدمی هم باشد. مثلاً مطمئناً هر چقدر هم برای بازیگر شدن من هزینه شود، هیچوقت بازیگر خوبی نمی‌شوم، چون جنم، علاقه مندی درونی و مهارت لازم را در این رشته ندارم. این گونه است که فکر می‌کنم هنر آدمش را انتخاب می‌کند و من انتخاب هنر خوشنویسی بودم.

* چه انگیزه‌ای باعث شده بود در کنار درس خواندن به خوشنویسی هم بپردازید؟

— انگیزه ام بیشتر جشنواره‌ها بودند. در چند جشنواره و رویداد خوشنویسی شرکت کردم و برای من باورپذیر نبود کسی که در مدرسه بد خط بود، در سطح استانی و کشوری مقام بیاورد. اما پس از چندبار دریافت جوایز این

